

در حاشیه اخبار و رویدادهای سیاسی روز ایران

هلمت احمدیان

در آستانه "انتخابات"!

در روزهای اخیر موضوعاتی در بین گرایشات و جناح‌های درون حاکمیت برجسته گشته اند که علیرغم ظاهر متناقض آنها، تلاش برای همنگی و شکل دادن حاکمیتی متناسب با اوضاع و احوال سیاسی برای بقای جمهوری اسلامی در آنها متبادر است. "انتخابات" ۸۰ ظاهرا هدف و محور این نکات است. هنوز کسی بجز فلاحیان، سرشناس‌ترین مهربان ترور و جنایت رژیم وارد گود "انتخابات" شده است. بحران جامعه، هیئت حاکمه را با بحران بیشتری در تجدید آرایش درون خود روپرور کرده است. خاتمی برای حاکمیت، هنوز نقطه قل "انتخابات" است. در سیر اوضاع بعد از "انتخابات" مجلس ششم، حرف اول را ولایت فقیه، شورای نگهبان و قوه قضائیه اش زده است. ذلت و بی‌خاصیتی طرفداران «مدنیت» و «توسعه سیاسی» در حاکمیت، با ارجایفی همچون «آرامش فعال» و «مقاومت مدنی» بیشتر از هر زمانی آشکار شده و آنها را تجزیه و در مقابل استغای دسته جمعی از مجلس (رونامه رسالت ۷ اسفند) یا تمکین کامل به جناح مقابل قرار داده است.

نوع حملاتی که تا مدتی پیش در انحصار حسنی امام جمعه اورمیه بود این روزها سخنگویان بیشتری در حمله به خاتمی پیدا کرده است. پس از حملات «هفت‌نامه فیضیه» مبنی بر مکایاول نامیدن خاتمی و بدتر دانستن او از رضا شاه برای اسلام، «روزنامه رسالت» وابسته به جمعیت موتلفه اسلامی نیز دوره ریاست جمهوری خاتمی را، دوره ای مضر برای اسلام و حکومت اسلامی نام برد. مصباح یزدی، «شهادت طلبی روحانیت را در شرایط کنونی در مقابل با هرگونه تلاش دشمنان برای تضعیف ارزش‌های اسلامی» دویاره یادآوری کرد. محمد رضا فاکر، نماینده محافظه کاران از مشهد در مجلس پنجم به بهانه بهم خوردن جلسه سخنرانی خاتمی در قم خود او را مقصر دانسته و اظهار داشت که: «او با این سخنرانی و حرف‌ها وجودش برای انقلاب مشکل شده است».

اما علیرغم اظهارات "افراطی" فوق، سران محافظه کاران می‌دانند که وجود خاتمی نه مشکل، بلکه "موهبتی" در مقطع کنونی برای سرپانگه داشتن "جمهوری جهل و جنایت این جنابان است. پیدا شدن فضا برای "بخت آزمایی" عنصر منفوری همچون فلاحیان برای کاندید شدن و حملات افراطی این روزها علیه این «سید خنده روی» حکومت اسلامی، گرد و خاکی است که در آن قاعدها باید آلتنتاتیو عقلایی قوم، خود را برای رویارویی با اوضاع آتی، در آن پیدا کند.

هر چند تعریف و تمجید خاتمی از کسانی همچون لاجوردی جlad اوین بعد از مرگش و رفسنجانی در مقطع انتخابات مجلس ششم، راقبل‌های از او شنیده‌ایم. اما در اوضاع کنونی که رفسنجانی به پشت صحنه خزیده، بیان این تمجید از طرف خاتمی امری تصادفی نیست. این مسئله، پیام سیاسی و جراغ سبزی را رو به "عقلای" جناح مقابل در خود دارد.

محافظه کاران نیز، در ضمن اینکه به روایات افراطی ذکر شده در بالا برای فشار به خاتمی و «اصلاح‌طلبان» گرد آمده بدور او نیاز دارند، علیرغم اینکه هیولایی همچون فلاحیان را برای "بخت آزمایی" به جلو صحنه می‌فرستند، مسئله اصلی‌شان پایین آوردن بیشتر نخ این «سید خوش رو» و آن درجه از صفحه ۲

۸ مارس روز جهانی زن

بر همه زنان کارگر و زحمتکش، بر همه زنان مبارزی که سنگرهای نبرد برای رهایی را در کوچه و خیابان و در زندانهای جمهوری اسلامی آکنده از طلین مبارزه و مقاومت‌شان کردند، بر همه زنانی که بر علیه حجاب اجباری و مجموعه قوانین آپارتایدی و زن ستیزانه جمهوری اسلامی درستیزند، بر همه انسانهای آزاده طرفدار لغو هرگونه ستم و تبعیض طبقاتی و جنسی مبارک باد!

جهان امروز صفحاتی از این شماره را به روز جهانی زن اختصاص داده است.



پرسش جهان امروز از چند تن فعال جنبش زنان

- به نظر شما جنبش زنان در بطن اوضاع و شرایط سیاسی کنونی ایران چگونه و حول چه شعار و سیاستی در مقابل با آپارتاید جنسی و سیاست‌های زن ستیزانه جمهوری اسلامی می‌تواند گامهای موثری در راه احراق حقوق خود بردارد و پیام شما از تریبون ۸ مارس بعنوان یک فعال این صفحه ۵ جنبش چیست؟

پیکار برای آزادی زنان!

صفحه ۴

بر یک آموخته تاریخی مجدد

صفحه ۴

دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های زنان ایرانی زنان ایرانی در داخل و خارج کشور: چهاید کرد؟

۱۵ تا ۱۷ زوئن ۲۰۰۱ استکهلم سوئد

اطلاعات بیشتر: Tel/Fax: 46-8-411-7855 Email: haiedeh@kvinnonet.org

کزارش برگزاری گرامیداشت روز کومنله

صفحه ۸

خاتمی، در پایان خطی که جمهوری اسلامی

بر آن ایستاده است!

صفحه ۲

جایگاه حجاب اسلامی

بهنگام دستگیرشدن!

خاتمی، در پایان خطی که جمهوری اسلامی بر آن ایستاده است!

شخصیت خاتمی را در پیش گرفته‌اند، تا با دستاویز قراردادن وی، افکار عمومی کشورهای خود را به ادامه ارتباط و مراوده اقتصادی با جمهوری اسلامی توجیه نمایند و بدینوسیله به دست اندازی خود در بازار ایران ادامه دهند و از امتیاز گیریهای بیدریغ از رژیم اسلامی بهره وافر ببرند.

از چشم افکار عمومی جهانی این حکومت ناقص حقوق بشر و پایمال کننده آزادیهای اولیه انسانی است، لذا آن را منفور و شایسته ارتباط و همکاری نمیدانند. سفر نخست وزیر ایتالیا تحت فشار احزاب و پارلمان آن کشور بچند ساعت کاهش یافت. سفر هیأت پارلمانی آلمان که رئیس آن بگونه‌ای مزورانه خاتمی را بعنوان یکی از مفاخرین جهان بسبب پیشنهاد دیالوگ بین فرهنگها به سازمان ملل معرفی کرد! پرده ساتری است بر اعمال رژیم و بزک کردن چهره آن با پودر اصلاحات تا با واژگونه کردن حقایق، هم بر داخل تاثیر بگذارند و هم منافع خویش را متحقق نمایند.

پته اصلاحگرایان نظام اسلامی در عرض چهار سال گذشته بخصوص از بعد از تشکیل مجلس ششم که "فتح الكبير" شان بحساب می‌آمد و خامنه‌ای با یک کلام قدرتش را ذوب کرد، بتمامی رو شده است! دراین مدت "اصلاح طلبان" یا همان جناح چپ رژیم، کالای خود را دو سویه عرضه میکردند. از سنتگرایان تسهیم در قدرت را می‌طلبیدند و به آنها گوشزد میکردند که اگر بما فرست داده نشود کل نظام درعرض واژگونی است و از سوی دیگر از مردم پشتیبانی میخواستند تا ضمن کسب مشروعیت توده ای، "مبازه" امن و بی خطر با استبداد و تحجر را در انحصار خویش و نیروی آنرا تنها در شان و موجودیت خود جلوه دهند. اما هر آنچه آرزویشان بود دو سویه بانکامی مواجه گشت.

بخصوص که خصائص و پیشینه آنها در حافظه مردم ماندگار و فراموش ناشدنی است.

"اصلاحگرایان" کنونی که از اوائل انقلاب و جنگ ۸ ساله قدرت را در دست داشتند، خود سابل و نماد

او برای رأی دهنگان معتبر نیست. در سطح دول غیری نیز بیتابی نسبت به نامزدی خاتمی مشهود است. آنها پروژه‌های اعتبار بخشی مجدد به

نیروی است که به هررو هنوز به نفعشان است به خاتمی خوشبین بمانند. به این اعتبار و همچنین به اعتبار وحشیتی که محافظه کاران در این شرایط در متکی کردن یکجانبه رژیم‌شان به سرکوب عربیان و خشن در مصاف با مردم دارند هنوز از وجود خاتمی بی‌نیاز نگشته اند.

آنها در اوج بگیر و بیند و فشار بیشتر برای به تعطیل کشاندن آخرين نشیات بازمانده «دوم خدادی» و فشارهای روزهای اخیر به «جهه متحدد رکنفرانس بین‌المللی؟ (اشاره به افتادن روسی خانم های خارجی در کنفرانس سازمانهای غیر دولتی در تهران که روزنامه کیهان تصویر آن را در صفحه اول چاپ کرد).

"اعتراض" فوق را فاطمه حقیقت‌جو نماینده مجلس در سخنان خود بتاریخ ۷ اسفند بیان داشت. منظور اصلی او است! خاتمی هم اینک مترصد سنجش افکار عمومی و میزان استقبال مردمی نسبت به انتخاب مجدد ش نشسته است! و منتظر است تا تاییج طرحهای دست اندکاران امنیتی مسئول صحنه گردانیهای سیاسی نظام را موشکافی کند و تصمیم نهائی خود را اتخاذ نماید. بگفته مفسران بورژوا، او این روزها سخنانش را رادیکال کرده است! تا نشان دهد می‌شود روحیه تسامح و تساهل، را تند و خشنتر کرد و اصلاحات تدریجی و کند، را شتاب و سرعت بخشید. چنین پز و زستی در محافل پیرامونی اینگونه تعبیر می‌شود که احتمالاً تمايل و نگرش درونی «جهه دوم خداداد» دگرگون شده و تغییر و اصلاحات به سبک روسی بر نوع چینی غلبه یافته است!

اگر از مبنا و میزان "اعتبار" این تلقیات بگذریم، عملکرد خاتمی و التزام وی به ولایت فقیه و ایدئولوژی اسلامی، اصلاحات ناکرده و ناشدنی مورد ادعای وی نه تنها برای توده مردمی که بدان دلخوش نبودند، بلکه برای شیفتگان و هواخواهان برون گروهی، عطیه حکومتی باور برانگیز نیست و آنگ این "رادیکالیزه" شدن او برای رأی دهنگان معتبر نیست.

در سطح دول غیری نیز بیتابی نسبت به نامزدی خاتمی مشهود است. آنها پروژه‌های اعتبار بخشی مجدد به

با ارسال خبر و گزارش،
نظر و پیشنهادات
طرح و عکس،
به انتشار پیراپرتر جهان امروز
کمک کنید.

این خودکامگان فشار نیاورد؛ آنها حاضر به سازش با سرمایه داران خارج از حاکمیت نخواهند شد. با نفوذ اعتراض و رسوخ انقلاب در اعصاب مردم؛ هردم طبقات فروخته با مبارزه خود به حیرم دموکراسی واقعی که رژیم به دور آن خط منوعه کشیده است تزدیک میشوند. و خاتمی بر این خط ایستاده است که جمهوری اسلامی بر آن ایستاده است و او نظام و ایدئولوژیش را قربانی آن اصلاحاتی که تحولات واقعی اجتماعی و مردم سالاری ای که فرایند آن همه طبقات را در برگیرد، نمیکند. و این لزوماً با حذف این نظام مقدور است.

ایدئولوژی اش نمیشود. خاتمی آنگ "اصلاحات" را برای کارگران، توده های مردمی، زنان فاقد حقوق شهروندی و جوانان جویای زندگی اقیلیت های ملی و مذهبی در سر کشاد سرنا میدمده و برای بورژوازی لیبرال که تا حدی اعتماد و اتکاء به نفس خود را باز یافته و در واهمه فرو ریزی نظام داعیه مشارکت در قدرت سیاسی را دارد در دهی طین میاندازد که آنهم برای او «اصدایش از دور خواشید است» و عایدی اندک خواهد داشت. مضمون واقعی "اصلاحات" جز مناقشۀ درون گروهی فاشیستی بر سر منافع خاص خود نیست و لذا تا زمانی که فشار پنجه دست انقلاب بر گلوی

پایگاهی در سازمان تولید نداشتند و از قبل فطیه و زکات و سهم امام حقوق مرجع و... می زیستند! از آنجاییکه با انکشاف سرمایه داری در ایران و گسترش افکار نو و مارکسیستی، همان سیاستها و مواضعی که هم دین را در معرض انهدام و نابودی میدیند و پایه های زندگی طفیلی گرانه شان روز بروز سست تر میشد، با تممسک به اندیشه ضدغربی و ضدکمونیستی، جنبشی مذهبی و با ایدئولوژی مخصوص بخود را با پشتونه گروههای فشار تدارک دیدند که در جریان انقلاب ۵۷ با یاری و دخالت عوامل دیگر سایر جریانات سیاسی و جنبش کارگری را کنار زده و قدرت را بدست گرفتند. از آنجاییکه خصوصیات طبقات میانه حال اجتماعی خصلات نمای این جنبش مذهبی بود، آنها با شعارهای توهمن آمیز، توده های فاقد خودآگاهی طبقاتی را بدور خود جمع نمودند، بورژوای ملی و لیبرال را از قدرت دورکردن، سازمانها و تشکلهای صنفی، سیاسی وابسته به کارگران و جریانات کارگری را سرکوب و محظوظ نمودند. سطح دستمزد و معیشت کارگران را در پائین ترین سطح ممکن نگاه داشتند، سیاست خارجی تجاوزگرانه بمنظور اسلامی کردن حکومتهای ممالک دیگر را دنبال کردند و با بهره گیری از ایدئولوژی اسلامی که ولایت فقیه در مرکز آن قرار داشت کلیت "امت اسلامی" را با کلید رمز "وحدت کلمه" در مقابل طبقات اجتماعی بمنظور خلیفه انتشار جهان امروز بعده اسپانسرهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.

۲ اسفند: اجتماع صدها تن از کارگران کارخانه ریستندگی و بافندهی چیت ری در اعتراض به تعویق و عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایاشن. این کارگران اعلام کرده تا تحقق مطالبات خود به اعتراض و تحصن خواهند داد.

۳ اسفند: طومار اعتراضی تن از کارگران سد سلمان فارس در اعتراض به موقع حقوق کارگران و عدم استفاده از نیروهای بومی.

هزینه انتشار جهان امروز بعده اسپانسرهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.

می توانید با قید اینکه چند شماره نشریه را می خواهید آبونمان شوید، مبلغ معادل هزینه پست را به حساب زیر واریز کرده و قیض پرداخت آن را به آدرس جهان امروز ارسال دارید.

حساب بانکی جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054

کمک مالی از آلمان

به جهان امروز
علی ۵۰ مارک
هلمن ۲۰۰ مارک
اسمعایل ۱۰ مارک

اگر مایلید جهان امروز را طریق پست الکترونیکی دیگر دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.
ha@cpiran.org

از قبل فطیه و زکات و سهم امام حقوق مرجع و... می زیستند و در واقع جناح راست را باید میراث دار آنها محسوب کرد. همان سیاستها و مواضعی که هم دین را در معرض انهدام و نابودی میدیند و پایه های زندگی طفیلی گرانه شان روز بروز سست تر میشد، با تممسک به اندیشه ضدغربی و ضدکمونیستی، جنبشی مذهبی و با ایدئولوژی مخصوص بخود را با پشتونه گروههای فشار تدارک دیدند که در جریان انقلاب ۵۷ با یاری و دخالت عوامل دیگر سایر جریانات سیاسی و جنبش کارگری را کنار زده و قدرت را بدست گرفتند. از آنجاییکه خصوصیات طبقات میانه حال اجتماعی خصلات نمای این جنبش مذهبی بود، آنها با شعارهای توهمن آمیز، توده های فاقد خودآگاهی طبقاتی را بدور خود جمع نمودند، بورژوای ملی و لیبرال را از قدرت دورکردن، سازمانها و تشکلهای صنفی، سیاسی وابسته به کارگران و جریانات کارگری را سرکوب و محظوظ نمودند. سطح دستمزد و معیشت کارگران را در پائین ترین سطح ممکن نگاه داشتند، سیاست خارجی تجاوزگرانه بمنظور اسلامی کردن حکومتهای ممالک دیگر را دنبال کردند و با بهره گیری از ایدئولوژی اسلامی که ولایت فقیه در مرکز آن قرار داشت کلیت "امت اسلامی" را با کلید رمز "وحدت کلمه" در مقابل طبقات اجتماعی بمنظور خلیفه انتشار جهان امروز بعده اسپانسرهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.

می توانید با قید اینکه چند شماره نشریه را می خواهید آبونمان شوید، مبلغ معادل هزینه پست را به حساب زیر واریز کرده و قیض پرداخت آن را به آدرس جهان امروز ارسال دارید.

حساب بانکی جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054

کمک مالی از آلمان

به جهان امروز
علی ۵۰ مارک
هلمن ۲۰۰ مارک
اسمعایل ۱۰ مارک

اگر مایلید جهان امروز را طریق پست الکترونیکی دیگر دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org



این چندمین بار است که کارگران سد سلمان فارس در چند ماه اخیر برای خواست های خود اعتراض و مبارزه کرده اند.

۳ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران شهرداری تهران در مقابل ساختمان "حزب اسلامی رفاه کار".

- «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می کنده که صرفا برای این نشریه ارسال شده باشد.

- استفاده از طالب جهان امروز، با ذکر مأخذ آزاد است.

- مسئولیت طالب «جهان امروز» با نویسندهای آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

- طالب «جهان امروز» با برنامه وازه نگار تایپ می شود و حدکش سقف طالب ارسالی دو صفحه ۴۷ با سایز ۱۶ می باشد.

جهان امروز

سیاسی، خبری

۱۵ روز یکبار منتشر می شود.

سرد بیر:
هلمن احمدیان

مردسالاری را در تجاوزی تازه به حقوق زنان بازتر گذاشتند.

زنستیزی، ویژه جمهوری اسلامی و جنایاتی درون و بیرونش نیست و طبیعتاً با سرنگونی این رژیم نیز خاتمه نمی‌گیرد. زنستیزی یک پدیده جهانی است که بدلیل قدمت تاریخی، در فرهنگ، عادات و سنت جوامع نفوذ کرده و به یک نرم و ارزش اخلاقی بدل شده که همچون فسیل، سالها و فرنها – بی توجه به تغییرات و حتی انقلابات اقتصادی و اجتماعی ارزشیایی را که حاملش بوده، منتقل کرده است.

بگمانم، تاکید بر این واقعیت، راه را برای همبستگی زنان ایران با زنان سایر نقاط جهان هموارتر می‌کند؛ درک شان را از ستم جنسی ارتقا می‌دهد؛ نیرویشان را از مبارزه صرف برای جایجایی قدرت سیاسی، به عرصه‌های دیگر و وسیع‌تر می‌کشاند؛ اراده‌شان را برای مبارزه پیگیر با سنت، عادات و فرهنگ مسلط و زنستیز مصمم‌تر می‌کند؛ راه را بر سوی استفاده دوره‌ای اصلاح طلبان داخلی از آرای زنان می‌بندد و خلاصه، دامنه و بعد انتظارات زنان، از نیروهای اپوزیسیون را تعمیق می‌بخشد.

۲۰۰۱ مارس ۲

توران عازم

۸ مارس، تاکید مجدد بر یک آموخته تاریخی

زنان جهان و ایران نیز – بیگمان – در گرو تلاش و مبارزه‌های است که برای تغییر ساختار امروز و ترسیم سیمای فردا بکار می‌گیرند. واقعیت این است که اگر زنان به نیروی خود آگاه شوند و سهمشان را در تولید و توزیع ثروت اجتماعی و بالندگی فرهنگی و انسانی جوامع پیرامونشان بازیشناستند و نارضایتی و اعتراضشان را در اشکال متشكلتر و جهانشمولتری سازمان دهند، قادر خواهند بود که فردای روشنتری بیافرینند.

شاید این جملات «شعار» جلوه کنند. اما این درسی است که از تاریخ مبارزات زنان جهان، آموخته ایم. از گذشته‌های دور، از روزی که تقسیم‌کار مبتنی بر جنسیت شکل گرفت و مالکیت خصوصی رسمیت یافت، تفویض نقش درجه دوم به زن، بخش لاینفکی از سیاستها و عملکردهای رژیمهای حامی طبقات دارا بوده است. هر کجا و هر زمان که زنان توانستند علیه کارکردهای زن سنتیزانه رژیمها – متشکل و متحده – باشند، برگ پر افتخاری به تاریخ جنبش برابری طبلانه افزودند و هر کجا که اسیر پراکنده‌گی، یاس، سردرگمی و انفعال شدند، دست

خودسوزی، خودکشی، تن‌فروشی، برای به زیر کشیدن مردسالاری و لغو کلیه اشکال و جلوه‌های نابرابری جنسیتی است. در این روز خاص، زنان به تبادل نظر و تجربه می‌نشینند؛ خاطرات تلغخ و شیرینشان را در قالب‌های هنری – از جمله شعر، شاتر اثبات «انسان» بودن خود و احراق حقوقشان می‌جنگند که تاریخ‌نگاران مذکور آن را دوره رشد علم و تکنولوژی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند و بالاخره، صفت مبارزه‌شان را بمنظور تغییر مناسبات مردسالارانه و مقابله با تهاجم‌های آتی سرمایه مردسالار سازماندهی می‌کنند. دهه هاست که ۸ مارس با چنین سنتی تداعی شده است.

امسال، زنان جهان فقیر در شرایطی به پیشواز ۸ مارس می‌روند که بنا به آمارهای منابع خبری، اصلی‌ترین قربانیان فقر، جنگ، جهل، بیماری، سوء‌تعذیب، تجاوز، خشونت، بیکاری، سیل، زلزله، مهاجرت‌های اجرایی، تجارت سکس، فشارهای اجتماعی، تهاجمات فرهنگی و تظلمات سیاسی و مذهبی بوده‌اند. زنان ایران نیز از این همه نکبت و بی‌حقوقی بی‌نصیب نبوده‌اند. مراجعته به آمارهای بیکاری،

کامل تساوی حقوق زن و مرد بر سر راه آنها نیز بوجود آمده است.

اکنون در اوایل قرن بیست و یکم هنوز شاهد خشونت شدید علیه زنان به شیوه‌های غیرانسانی از طرف جامعه مردسالار که ارمغان جامعه سرمایه‌داری است هستیم، هر روز شاهدیم که زنان زیادی در این رابطه مورد وحشیانه‌ترین رفتارهای غیرانسانی، تجاوز و بی‌حمرتی‌های بیشمار واقع می‌شوند. شمار زیادی از زنان بجرم اینکه به فرهنگ و سنت های عقب مانده تمکین نمی‌کنند مورد خشونت و اذیت و آزار قرار می‌گیرند. زنان جدا از کار در بیرون از خانه مسئولیت کار در خانه را هم بعهده دارند و حقوق و مزایای آنان در سطح پایین‌تر از مردان قرار دارد. خاصیت دو نیمه کردن جامعه بر

آزادی زنان ارج نهاده می‌شود و فراتر از یک گرامیداشت صرف، به سنگر و تربیونی جهانی برعلیه اعمال تعییض جنسی بر زنان تبدیل شده است و رسمیت یافتن این روز در سال ۱۹۷۰ از طرف سازمان ملل به هدف تاثیر گذاری روی جوهر طبقاتی این جنبش تاثیر زیادی روی اهداف و سنت‌های جافتاده آن نگذاشته است. اگر زنان بعد از سالها تلاش و مبارزه در برخی از کشورهای پیشرفت‌ههای جهان تا حدودی در زمینه برابری حقوق خود با مردان دستاوردهایی داشته‌اند که مدعیون مبارزات و اعتراضات زنان بطور عام و بطور خاص زنان کارگر و زحمتکش بوده است، اما موانعی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عملاً برای سنگ اندازی در تحقیق بخشیدن

فراست صالحی

پیکار برای آزادی زنان!

در روز ۸ مارس ۱۸۵۸ زنان کارگر سوزنی با خواست ممنوعیت کار کودکان و کسب حق رای در نیویورک دست به تظاهرات زدند. در کنگره بین‌الملل سویسیالیست که سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ برگزار شد کلارا زتکین این روز به عنوان روز جهانی زنان به کنگره بین‌المللی سویسیالیست زنان پیشنهاد شد و از سال ۱۹۱۰ این روز با جهت کیری رادیکال سویسیالیستی خود رسمیت خواست ۱۰ ساعت کار روزانه دست به تظاهرات زدند که این بار هم آن‌زمان این روز به سنتی عزیز و گرامی در میان زنان و مردان آزاده و انتقلابی تبدیل گشت که هر ساله وسیعاً از طرف همه انسانهای طرفدار کمپین حق رای اقدام کرد و در ۸

امروز در مراسم های هشتم مارس باید هرچه بیشتر صدایمان را علیه این اسارت و بردگی علیه زنان در ایران از تربیتون های این روز رسانتر نموده و این عاملان آپارتايد جنس را رسوا نماییم. زنان و مردان آزدیخواه! همگام و همسو در ۸ مارس روز چهانی زن تجدید عهد کنیم که با تلاش و پیکار بی وقfe خود در راه برجیمن همه موانع و سنت و قوانین ارتقای و زن سنتیزانه به مبارزه خود ادامه داده و این امر را با تلاش برای متحده و متشکل کردن صفو خود پیش ببریم.

۲۰۰۱ مارس

است. اذیت و آزار و خشونت بر زنان ب مجرم آزادی خواهی و تمکین نکردن بر جهل و خرافه روی آنان سنتگینی می کند. زنان دیگر فریب وعده و عویدهای رژیم را نمی خورند و نمی خواهند پیرو فاطمه زهرا باشند. بلکه با دنیای علم و دانش و پیشرفت بشری در ارتباط با همنوعان و همسرنشستان خود بسوی اتحادی بزرگ رفته تا باساط این نظام کهن را براندازند. جنبش زنان دوش بدش مردان برای رهایی قطعی و لغو قوانین ارتقای و زن سنتیزانه و برقراری سنت های جدید و انسانی در راه ایجاد جنبش مستقل و حرکت های انقلابی بهترین سلاح و مدافع زنان می باشد.

حسب جنسیت برای سرمایه داران جلوگیری از اتحاد و یکپارچگی زنان و مردان کارگر علیه نظام موجود است. این نظام مردان را وسیله اعمال نیروهای فرست طلب بیرون آید نیازمند تشکل های مستقل توده ای است. نیازمند پالنفرم و برنامه عملی مشخص توسط پیشروان جنبش زنان است.

۸ مارس بیانگر مبارزه، اعتراض و خشم تمامی زنان ستمدیده و انسانهای آزاده جهان به نظامی است که در آن نیمی از بشریت بخاطر زن بودنشان مورد تبعیض و ستم قرار می گیرند. آنچه امروز تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بر زنان در ایران می گردد تها با شرایط قرون وسطی قابل مقایسه

زنان باشند. حسنه جنبش زنان برای بورژوازی دم از حقوق زنان زده و می کوشند تا توده زنان را به دور پالنفرم و برنامه های لیبرالی خود گرد آورده و مبارزات راستین زنان را به انحراف بکشانند. از آنجا که ریشه های تبعیض بر زنان معلوم خود جامعه سرمایه داری است. این

میتوان گفت که با وجود اختناقی که گلوی تک تک زنان ایرانی را می فشارد، آنان با مبارزات و عنز راسخ خود در برابر فرهنگ غالب مرد سالاری بر جامعه، تلاش می کنند تا خود را در موقعیتی برابر با مرد (حداکثر تا جایی که به خود آنها و توانایی ذهنی و فکریشان برمی گردد) قرار دهند.

بیشتر آنها با چنگ و دندان تلاش می کنند تا با اشایی کنیدگی قوانین زن سنتیز و سلطه نظام مرد سالاری به مقابله و رودریوی بrixzند و با ارتقای سطح آگاهی و دانش خود توانایی بالقوه خود را ثابت کنند و این حکم دروغین را (که زن موجود درجه دوم است) باطل کنند. عدهای نیز بدلیل مبارزات علیه و رو در روی خود با قانونگذاران و مجریان رژیم برس اند این حقوقی راهی زندانهای رژیم می شوند.

عدهای از زنان بدلیل فقر اقتصادی و عدم آگاهی فرهنگی خود تحمل و توان خود را از دست میدهند و از خانه فرار می کنند و مجبور به تن فروشی شده و یا نهایتاً با خودسوزی و خودکشی خود را قریانی می کنند. جمعی از زنان به شرایط موجود تمکین کرده و بعنوان زنان سربزیر و مطیع و کم توقع فقط تحمل می کنند. خلاصه کنم آنچه مسلم است این

مساله است. (خوبختانه هنوز موفق به عملی کردن این بند آخر نشده اند). در جامعه ایران، زن از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بوده و هست. زن باید در گرمای پنجاه درجه مولی سر خود را بپوشاند تا مرد متوجه بگشوب کنند! زن باید از دیدن فرزند و جگرگوشه اش محروم شود، زیرا بهر دلیلی نخواسته رابطه زناشویی ناموفق خود را حفظ کند. دهها و صدها مورد محرومیت از این نوع در جوامع اسلامی برای زن ساخته شده که همه آنها تعزز و توهینی به حقوق انسانی زنان است.

و اما در مقابل، عکس العمل زنان و مردان آزاداندیش و مبارز ایرانی چگونه بوده است؟ طبق آمار، در دو دهه اخیر تعداد ۶۸۰ کتاب و مقاله توسط نویسنده در باره زنان ایران منتشر شده که تعداد ۱۵ نفر از نویسندهای این مقاله ها محققان زن ایرانی می باشند. ۶۰ درصد از دانشجویان دانشگاههای ایرانی بطور نسبی در حال حاضر زن هستند. چندین نشیره زنان منتشر می شود که ناشر و گردانندگان آن زنان و بیشتر غیروابسته به رژیم هستند.



جهان امروز بمناسبت روز جهانی زن، سوال زیر را برای چند تن از فعالین جنبش زنان ارسال داشته که در زیر پاسخ های رسیده را ملاحظه می کنید:

جهان امروز: به نظر شما جنبش زنان در بطن اوضاع و شرایط سیاسی کنونی ایران چگونه و حول چه شعار و سیاستی در مقابله با آپارتايد جنسی و سیاست های زن سنتیزانه جمهوری اسلامی می تواند گامهای مؤثری در راه احراق حقوق خود بودارد و پیام شما از تریبون ۸ مارس بعنوان یک فعال این جنبش چیست؟

شهین حیدری:

با توجه به روند جریانات دو دهه اخیر در رابطه با اوضاع سیاسی، جنبش مستقل زنان هنوز فاصله داریم، ولی بنظر من مبارزات زنان در جهان، این مسیر را طی می کند. همانگونه که میدانیم در ایران و کشورهای اسلامی تعریض به حقوق انسانی زنان در حدی بوده و هست که از تحمل هو فرد آزاداندیشی خارج است. زن در جامعه ایران موجودی تلقی می شود که بدلیل جنسیت در رابطه با مرد تعریف می گردد و بخودی خود جنس دوم شناخته می شود. وجود تاکسی زنانه، اتوبوس زنانه و مردانه، اخیراً زمزمه کلاس های دانشگاهی زنانه و مردانه و بیمارستان و خدمات زنانه و غیره گویای این

صبح تا شب جان می‌کند از شیره
جاشش به کودک میدهد. پخت و پز،
دوخت و دوز و شست و شو و رفت
و روب تا هنگام خواب ادامه دارد.
بدون اینکه پشیزی درآمد داشته باشد.
معمول این زنان بیکار شمرده می‌شوند
چون شوهر و جامعه پولی بابت
کارشان نمی‌پردازد و حقوق بازنشستگی
ندارند. مضافاً اینکه استقلال اقتصادی
که یکی از شرط‌های اساسی رهایی
زن است هیچگاه برای این گروه از
زنان فراهم نمی‌گردد.

دختران جوان کم سواد و بی‌سواد
که در کارگاه قالی‌بافی کار می‌کنند،
کارگران کوره‌پرخانه، کارگاهها و
کارخانه‌های کوچک و بزرگ، زنان
خانه‌دار با سواد و بی‌سواد، زنان
زحمتکش روتاستها که وظیفه‌شان خانه
داری و کار کشاورزی همدوش
مردانشان است و عده زیادی از زنان
شاغل، باسوان و روشنفکرند. لذا با
توجه به پراکندگی و تنشیع
مسائل و مشکلات زنان، پیدا
کردن یک «چه باید کرد»
برای همه زنان کاری مشکل
است و زنان طبقات و اقشار
مختلف اجتماعی خواستها،
استراتژی و مکانیسم‌های
متفاوتی برای نشان دادن
اعتراض و نارضایتی خود
دارند.

بدلیل فقر و تنگدستی در جامعه
ایران بسیاری از خانواده‌ها از عهده
هزینه به مدرسه فرستادن کودکان
بخصوص دختران برمی‌آیند و آنرا
از کودکی به کار قالی‌بافی و امثال
آن و میدارند تا کمک هزینه‌مای به
درآمد خانواده بیفزایند. فقر، نامیدی
و بی‌آیندگی در کنار فرهنگ عقب
افتاده ای که بدرفتاری خانواده‌ها در
برخورد به جوانان بیویه دختران را
بهمراه دارد، باعث فراری شدنشان از
خانه شده و هر روز تعداد زیادی از
آنان بدام باندهای فساد و فروش
مواد مخدور و سکس افتاده و یا
کشته شده و جنازه‌هایشان پیدا می‌شود.
در مقابل این وضعیت دردانک،
زنان به اشکال مختلف برای تغییر
قوانين اجتماعی و مردسالارانه، آزادی
شغل و حق انتخاب پوشش، بر علیه

همکاری و همبستگی طیف وسیعتری
از زنان را حتی با گرایشات و تعلقات
فکری و سیاسی گوناگون دامن بزند
و ملزمات تشكیلات مستقل و فراگیر
زنان را بوجود بیاورد.

در کنار این مسئله فعالیت گسترده
افشاگرانه در خارج ایران و فشار به
رژیم از کانال مجتمع بین‌المللی امری
است که می‌تواند در دستور کار همه
مدافعين جنبش زنان در خارج کشور
قرار گیرد. استفاده از تربیونهای
بین‌المللی و توسل به اتحاد عمل‌ها و
کمپین‌های سراسری که در برگیرنده
همه فعالین این عرصه باشد، بدون
شک بسیار موثرتر از فعالیت تحت
نام بخش زنان سازمانهای سیاسی است.

صدیقه محمدی:

پس از قیام ۵۷ طولی نکشید که
اندک دستاوردهایی که زنان کسب
کرده بودند از طرف رژیم جمهوری
اسلامی مورد تعریض قرار گرفت و
آپارتايد جنسی و خشونت قانونی
علیه زنان به سیاست اصلی رژیم
تبديل گردید. حجاب اجباری، نداشتن
حق طلاق و حضانت کودکان، سنگسار
زنان... نمودهای تحمیل این وضعیت
اسفبار بر زنان از طرف رژیم اسلامی
است، که از همان نخستین روزهای
استقرارش تاکنون بموازات با مقاومت
و مبارزه زنان روبرو بوده و با وجود
اعمال شدیدترین و ارتجاعی ترین
سرکوب و خشونت بر زنان رژیم
هنوز نتوانسته سیاستهای ارتجاعی‌اش
را به تمامی بر آنها تحمیل کند.

طرح جداسازی زنان از مردان در
همه عرصه‌ها، در چادر و چاچور
پیچیدن و خانه نشین کردن آنان
سیاست رژیم در دو دهه گذشته بوده
است. و این نه مختص جناحی از
رژیم بلکه ویژگی رژیم با همه جناحها
و گرایشات درونی‌اش بوده است.
خاتمه «اصلاح طلب» در گفتگویی با
مجله زنان می‌گوید: «کار زنان
نگهداری از شهر و بچه‌هایشان است،
اگر زنی علاوه بر این وظیفه اصلی
بتواند در بیرون هم کار کند و نانی
به سفره خانواده بیفزاید چه بهتر!»!
رژیم در قبال پرورش کودکان هیچ
وظیفه‌ای برای خود قائل نیست هیچ
بیمه ای برای زنان خانه دار ندارد. زن

مبارزات زنان بر علیه حجاب اجباری،
شرکت وسیع زنان در سنگرهای مبارزه
مسلمانانه در کردستان علیه رژیم و
نقش بر جسته زنان در مبارزات توده‌ای،
تظاهرات‌ها، جنبش دانشجویی و در
زندانها همه و همه شاهد جنبشی
رجیم از کanal مجتمع بین‌المللی امری
است که می‌تواند در دستور کار همه
مدافعين جنبش زنان در خارج کشور
قرار گیرد. استفاده از تربیونهای
بین‌المللی و توسل به اتحاد عمل‌ها و
کمپین‌های سراسری که در برگیرنده
همه فعالین این عرصه باشد، بدون
شک بسیار موثرتر از فعالیت تحت
نام بخش زنان سازمانهای سیاسی است.

در عین حال مشکلات و ضعف
هایی که این جنبش نیز همواره از آن
ریج برده، مانع رشد و ارتقای آن بوده
است. مبارزات زنان علیرغم وسعت و
دامنهای مبارزه‌ای پراکنده و غیر
متتشکل بوده است. عدم تشکیلات
مستقل زنان، اگر چه توضیح اصلی‌اش
را از اختناق و سرکوبگری رژیم
می‌گیرد، و لیکن همچون کمبودی
جدی در رشد و تکامل این جنبش
هنوز بطرور جدی در دستور فعالین
این جنبش قرار نگرفته است. عدم
تلاش جدی نیروها و گرایشات چپ و
رادیکال برای رفع این نقصه را هم
باید به این ضعف افزود، چراکه
علیرغم شرکت فعال زنان در این
جريانات، متسافنه امر رهایی زنان
از جهنمی که رژیم برای آنها در
جامعه ایران ایجاد کرده، هنوز جایگاه
واقعی خود را در میان سازمانهای
استقرارش تاکنون بموازات با مقاومت
و مبارزه زنان روبرو بوده و با وجود
اعمال شدیدترین و ارتجاعی ترین
سرکوب و خشونت بر زنان رژیم
هنوز نتوانسته سیاستهای ارتجاعی‌اش
را به تمامی بر آنها تحمیل کند.

طرح جداسازی زنان از مردان در
همه عرصه‌ها، در چادر و چاچور
بخش رادیکال و چپ در اوضاع و
احوال سیاسی کنونی قرار دارد، تلاش
سیاست رژیم در دو دهه گذشته بوده
است. و این نه مختص جناحی از
رژیم بلکه ویژگی رژیم با همه جناحها
و گرایشات درونی‌اش بوده است.
بلکه امر رهایی زن را در مفهومی
کلی‌تر و توده‌ای‌تر در دستور دارد.
آنچه بر زنان در جامعه ایران می‌گزند
سعی کرده زنان را در درون زندان
متاسفانه هنوز با آرمان خواهی ما
فاصله زیادی دارد و زن ایرانی از
ابتدایی‌ترین حقوق خود بی‌هره است.
خواست آزادی پوشش و ایستادگی در
مقابل حجاب اجباری یکی از این
عرضه هاست که می‌تواند پلاطفرم

است که مبارزه خودبخودی و اعتراض
زنان ایرانی را کسی نمی‌تواند متوقف
کند، اگر چه آپاتاید جنسی و
سیاستهای زن سبیزانه جمهوری اسلامی
از یک سو رفرمها و عقب نشینی‌های
موقتی آنها از سوی دیگر می‌تواند
در پیشروی این جنبش موانعی ایجاد
کند.

به نظر من با نقد پی‌گیر وضع
موجود زنان در ایران، افسای زن
سبیزی جمهوری اسلامی، سنگسار،
حجاب اجباری و جنایاتی که رژیم
جمهوری اسلامی در طول بیست سال
علیه زنان ایران مرتکب شده باید در
مقابل رژیم ایستاد. این بی‌حقوقی‌ها
و جنایات باید به‌گوش همه جهانیان
و همه انسانهایی که قلبشان از
بیعادالتی بدرد می‌آید، برسد.

تجاوز جنسی به دختر چهارده ساله
قبل از اعدام دردی جانگذار است. در
مقابل آن نباید ساکت ماند، چون
بهیچوجه و با هیچ منطقی این سکوت
قابل توجیه نیست. از این صحنه‌ها
بکرات در زندانهای رژیم اتفاق افتاده
و می‌افتد.

مبارزه پی‌گیر و بی‌امان به اشکال
مخالف و ارتقای دانش و آگاهی
زنان، شناساندن قوانین زن سبیزانه
جمهوری اسلامی به همگان و اعتراض
و مبارزه با آن تنها راه چاره است.
اتحاد و وحدت مبارزاتی زنان جهان و
پاسخ انقلابی «به چه باید کرد؟»
که در مقابل همه ماست محوری‌ترین
مسئله و سؤال در مقابل ما در روز
جهانی زن است.

روناک آشنایگر:

۲۲ سالی که از حاکمیت رژیم زن
سبیزی جمهوری اسلامی می‌گذرد، اگر
از طرف رژیم با سرکوب و تحقیر و
نگه داشتن زنان در موقعیت فرودست
بر اساس تفکر ارتجاعی و قرون وسطایی
«ناقص عقل» دانستن آنان همچون
«جنس دوم» پیش رفته و رژیم همواره
آنچه بر زنان را در درون زندان
سعی کرده زنان را در بی‌هره است.
بزرگ ایران در زیر چادر و مقتنعه هم
زندانی کند و لیکن به موازات این،
از طرف زنان مبارزه بر علیه این
آپارتايد جنسی و برای حقوق و موقعیت
برابر با مردان در جامعه پیش رفته
است.

ایراد کرد. سپس اسامی سازمانهای که به همین مناسبت پیامهای شادباش فرستاده بودند اعلام کردید، که عبارت بودند از: سازمان فدائیان اقلیت (تشکیلات کانادا)، اتحاد فدائیان کمونیست (تشکیلات کانادا)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، اتحادیه میهنی کردستان (تشکیلات کانادا). بخش نخست برنامه با اجرای چند شعر و سرود به پایان رسید.

بخش دوم برنامه ها با هنرمنایی، هنرمند سرشناس محمد جزا و منیر ناری تا ساعت ۱ نیمه شب ادامه پیدا کرد و این مراسم در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان گرفت.

* در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری مراسم باشکوه و بی سابقه با شرکت ۱۰۰۰ نفر از نمایندگان جریانات سیاسی، دوستان و هواداران کومهله و رفقاء تشکیلاتی در اردوگاه مرکزی کومهله که در آن حسن رحمانپناه عضو کمیته مرکزی کومهله سخنرانی کرد را به اطلاع رساندیم. بر اساس خبری که از کمیته مرکزی کومهله در کردستان بدستمان رسیده، همچنین مراسم روز کومهله در اردوگاه پناهندگان ایرانی در رمادیه نیز به شکل بی سابقه با حضور جمعی بیش از ۱۰۰۰ نفر از پناهندگان، دوستان و هواداران کومهله برگزار گردیده است. مشروح این گزارش و گزارش مربوط به برگزاری روز کومهله در شهرهای کردستان را بعداً به اطلاع می رسانیم.

بعد از ظهر مراسم آغاز گردید. عرفان مروت، کادر حزبی ضمن خوشامدگوئی به شرکت کنندگان سخنرانی در خصوص اوضاع سیاسی ایران و کردستان و موضع کومهله در قبال مسائل مهم سیاسی ایراد کرد. سپس پیامهای رسیده از جانب احزاب و سازمانهای ایرانی و کردستانی زیر به مناسبت ۲۶ بهمن روز کومهله قرائت شد. بزوتنهودی بنیات نانی حیزبی کریکارانی کمونیست، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب شیوعی عراق و کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (نهاد سیدنی).

مراسم با اجرای برنامه رقص و آوازهای شاد تا ساعتها ادامه داشت. کانادا:

عصر روز شنبه ۲۶ فوریه شهر تورنتو شاهد برگزاری مراسم باشکوه روز کومهله بود. این مراسم که هر ساله در ماه فوریه بمناسبت گرامیداشت سالگرد اعلام موجودیت علنی کومهله برگزار می شود و به فرستاد و مناسبی برای اعلام پشتیبانی از سیاست رادیکال و سوسيالیستی در جنبش انقلابی کردستان تبدیل شده است امسال با شکوهتر از سالهای گذشته در کانادا برگزار گردید.

مراسم که بیشتر از ۱۰۰۰ نفر از دوستان و مهمانان کومهله در آن حضور داشتند، با سرود انترنسیونال و یک دقیقه سکوت بمناسبت گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسيالیسم شروع شد. سپس صلاح مازوچی عضو کمیته مرکزی کومهله در رابطه با جایگاه کومهله، اوضاع سیاسی ایران و وظائف و اولویتهایی که در این رابطه بر دوش نیروهای سوسيالیست قرار می گیرد و همچنین سیاستهای کومهله در کردستان سخنرانی

(۲)

گزارش برگزاری گرامیداشت روز کومهله

شاد و فولکوریک هنرمنایی کردند.

نروژ :

مراسم روز کومهله روز شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۰۱ در شهر اسلو با شرکت و حضور جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ نفر برگزار شد.

مراسم ابتدا با سرود انترنسیونال و دقیقه ای سکوت بیاد جانباختگان کمونیست شروع و سپس با سخنرانی ساعد وطندوست عضو کمیته مرکزی کومهله در باره اوضاع سیاسی ایران و جنبش کارگری در کردستان و توضیحاتی پیرامون انشعاب جمع محدودی از کادرهای کومهله له ادامه یافت. در ادامه این برنامه پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران – راه کارگر، هسته اقلیت به مناسبت روز کومهله قوانات گردید.

مراسم با دکلمه اشعار و سروهای انقلابی و همچنین ترانه های شاد و فولکوریک با حضور هنرمند اسعد رازایی تا پاسی از شب ادامه یافت که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

استرالیا:

امسال نیز همچون سالهای گذشته، مراسم گرامیداشت روز کومهله در شهر سیدنی بصورت پیک نیک در یکی از پارکهای خوش منظره و در هوای مطبوعی بربنا گردید. از ساعات اولیه روز محل تجمع با پلاکاردها و اشعار مربوط به این روز و شعارهای حزبی ترتیب شده بود. در حوالی ظهر جمعیت بتدریج به محل تجمع آمدند. بعداز صرف نهار در محل، ساعت ۲

در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری روز کومهله دریوبوری و استکهلم (سوئد) را ملاحظه کردید، در ادامه خلاصه ای از برگزاری این مراسم در کانادا، آلمان و نروژ را ملاحظه می کنید.

آلمان:

مراسم گرامیداشت روز کومهله روز شنبه ۱۷ فوریه در شهر فرانکفورت با حضور جمع وسیعی از دوستان و کومهله و نیروها و افراد چپ و آزادیخواه برگزار شد.

در این مراسم ابراهیم علیزاده، دییر اول کومهله روی مهمترین سیاست های کومهله در بطن اوضاع و احوال سیاسی متحول ایران سخنرانی کرد. سپس پیام سازمانهای سیاسی و تشکلهای دموکراتیک زیر به مناسبت روز کومهله قرائت گردید: تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان - اقلیت، شورای کار، حزب کار ایران (طوفان)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)، اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان اتحاد فدائیان خلق - آلمان، انجمن کردها و آلمانیها در فرانکفورت، هئیت اجرایی ارگان دموکراتیک ایران (اما). در بخش دوم مراسم که برنامه ای هنری بود، هنرمندان سرشناس لیلا فریقی و رشید فیض نژاد با ترانه های